

معرفی کتاب خارجی

# اثری کهن در نبرد صفین

## أعلام النصر المبين في المفاضلة بين أهلي صفين

○ آیات شریف عسکری

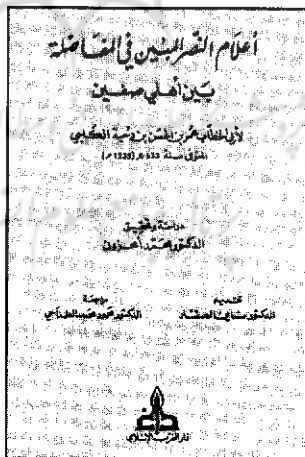
«عبدالوهاب بن ابی حیه وراق الجاحظ قال: سمعت الجاحظ عمرو بن بحر يقول: سمعت النظام يقول: علی بن ابی طالب (ع) محنة علی المنکلم، ان وفاه حقه غلاه و ان بنخسه حقه أساءه و المنزلة الوسطی دقیقة الوزن، حادة اللسان، صعبة الترقی، الا علی الحاذق الذکی.»<sup>۱</sup>



می شد تا عالم یا مورخی، اخبار و اطلاعاتی را درباره حادثه ای گردآوری کند. کتاب مورد بحث این نوشتار نیز یکی از این آثار است که نبرد صفین را به شیوه تکنگارانه بررسی کرده و اخباری از این حادثه را گردآورده است.

مؤلف کتاب

ابو الخطاب عمر بن حسن بن دحیه کلبی (متوفی ۶۳۳ق) نسب خود را به دحیه کلبی، شخصیت معروف زمان پیامبر که معروف است، جبرئیل گاه در صورت وی بر پیامبر نازل می شد، رسانده است. مادر وی امه الرحمان دختر ابو عبدالله محمد بن موسی بن عبدالله بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب است. وی خود را دو نسبتین یا دو نسبین نامیده است. <sup>۲</sup> گرچه عده ای در این که از دحیه کلبی نسب ببرد، تردید کرده اند. <sup>۳</sup> ابن خلکان تاریخ تولد وی را ۵۴۴ ق. <sup>۴</sup> دانسته و به نقل برخی از کسان از قول خود وی تاریخ تولدش را ذیقعدة سال ۵۴۸ ق. ذکر کرده است. درباره تاریخ وفات وی، اختلافی میان مورخان نیست و جملگی چهاردهم ربیع الاول ۶۳۳ ق. را ذکر کرده اند. <sup>۵</sup>



○ أعلام النصر المبين في المفاضلة بين أهلي الصفين  
○ ابی الخطاب عمر بن الحسن بن دحیه کلبی  
○ دراسة و تحقیق محمد أمحزون، تقديم سامی الصقار، مراجعة محمود محمد الطناحی  
○ بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۱۹۹۸م

مقدمه

تاریخ نگاری اسلامی، در فراز و نشیب خود، در اولین مراحل شکل گیری، سمت و سویی تکنگارانه داشت و عالمان اخباری چون ابومخنف لوط بن یحیی، واقدی، ابان بن عثمان بجلی، مدائنی و دیگران آثاری تکنگارانه، با تکیه به گردآوری اخبار درباره حوادث نگاشتند. این شیوه در قرن بعد از حیات این مورخان تغییر کرد و با کمک همین منابع تک نگارانه، مورخان بعدی چون بلاذری، یعقوبی و طبری آثار سترگی در تاریخ نگاری اسلامی پدید آوردند. با این حال سنت تک نگاری، کم و بیش در قرون بعدی نیز دوام داشت و اهمیت برخی مسائل گاه باعث

وی از محدثان کثیر السفر بوده است. در آغاز عمر به مغرب سفر کرد و در آنجا از شیوخ حدیث، سماع حدیث نمود. در ۵۶۴ در مراکش به محضر ابوبکر محمد بن عبدالله عبدری رسید. عبدری در نحو و ادب از سرآمدان زمان خود بود. هم‌زمان در همان جا با ابو عبدالله محمد بن حسین بن حبوس دیدار کرد و از وی سماع حدیث نمود. بار دیگر به اندلس بازگشت و از ابوالقاسم بن بشکوال و ابوعبدالله محمد بن سعید بن زرقوق و ابوعبدالله بن المجاهد و ابوبکر بن خیر و ابوالعباس بن مضاء و ابو محمد بن بونه و ابوالقاسم بن حبیش ابو بکر بن جبیر اللمتونی و دیگران سماع حدیث نمود.<sup>۲</sup>

سپس به تلمسان سفر نمود و قاضی آن دیار، ابو الحسن بن ابی حیون را دیدار کرد و از وی حدیث شنید.<sup>۳</sup> در سفر به آفریقه، در سال ۵۹۵، از گروهی از عالمان چون ابو عبدالله بن بشکوال، ابوالولید بن المناصف، قاسم بن دحمان، صالح بن عبدالملک، ابو اسحاق بن قرقول، ابو العباس ابن سیده، ابو عبدالله قباعی، ابوبکر بن مفاوز و ابو عباس بلنسی سماع حدیث نمود.<sup>۴</sup> از دیگر سفرهای وی، می‌توان به سفر به مصر و دیدار محدث مشهور آن دیار، بوضیری و معاصران وی، سفر به شام و عراق و خراسان اشاره کرد. وی در کتاب خود به حضور در نیشابور و محله مشهور آن شادیاخ اشاره کرده است. در بغداد از ابوالفرج بن الجوزی سماع حدیث نمود. به سال ۶۰۴ق. به شهر اربل سفر کرد و در ولادت پیامبر، کتابی برای امیر اربل، مظفر الدین کوکبری با عنوان التتویر فی مدح السراج المنیر تالیف کرد در ذیل آن قصیده بلندی در مدح کوکبری سرود.

در شهر واسط مسند احمد بن حنبل را از احمد بن ابوالفتح مندایی<sup>۵</sup>، در اصفهان معجم الکبیر احمد بن سلیمان طبرانی را از ابو جعفر صیدلانی<sup>۶</sup>، و در نیشابور صحیح مسلم را از منصور فراوی، به سند متصل به مؤلفان این کتاب ها دریافت کرد. سپس به مصر بازگشت و به استادی در دارالحدیث الکاملیه رسید.<sup>۷</sup>

مقام علمی وی را ستوده‌اند و به تبحر وی در فقه مالکی و حدیث اشاره کرده‌اند. فهرست آثار وی، گواهی بی مدعا بر گفته این عالمان است.

#### تالیفات:

۱ - الایات البیتات فی ذکر ما فی أعضاء رسول الله (ص) من المعجزات. بروکلیمان به وجود نسخه‌ای از این کتاب اشاره کرده

است. (تاریخ الادب العربی، ج ۵ ص ۳۶۰).

۲ - الابتهاج فی المعراج .

۳ - استیفاء المطلوب فی تدبیر الحروب .

۴ - أعلام النصر المبین فی المفاضلة بین أهلی صفین. از

این کتاب تنها یک نسخه در کتابخانه اسکوریال به شماره ۱۶۹۳ باقی مانده است.

۵ - أنوار المشرقین فی تنقیح الصحیحین.

۶ - البشارات و الانذارت المتلقاة من أصدق البراءات.

۷ - تاریخ الامم فی أنساب العرب و العجم.

۸ - التحقیق فی مناقب ابی بکر الصدیق.

۹ - تعلیق علی شهاب الاخبار فی الحکم و الامثال و الاداب

من الاحادیث النبویة، نوشته قاضی قضاعی.

۱۰ - تنبیه البصائر فی اسماء ام الکبائر بروکلیمان به وجود نسخه‌ای از این کتاب اشاره کرده است.<sup>۸</sup>

۱۱ - التتویر فی مولد السراج المنیر. نسخه‌ای از این کتاب در

کتابخانه ملی پاریس به شماره ۱۴۷۶ موجود است.

۱۲ - سلسله الذهب فی نسب سید العجم و العرب.

۱۳ - شرح اسماء النبی (ص).

۱۴ - الصارم الهندی فی الرد علی الکندی.

۱۵ - عصمة الانبیاء .

۱۶ - العلم المشهور فی فضائل الایام و الشهور. نسخه‌ای از

این کتاب در کتابخانه امام یحیی در یمن به شماره ۲۱۴ ادب باقی است.

۱۷ - مرج البحرين فی فوائد المشرقین و المغربین بروکلیمان

به وجود نسخه‌ای از این کتاب اشاره کرده است.<sup>۹</sup>

۱۸ - المستوفی فی اسماء المصطفی.

۱۹ - مصنف فی رجال الحدیث.

۲۰ - المطرب من اشعار اهل المغرب. این کتاب به تحقیق

ابراهیم الایاری در قاهره و خارطوم به سال ۱۳۷۳ ق / ۱۹۵۴ م به چاپ رسیده است.

۲۱ - النبراس فی تاریخ خلفاء بنی العباس. این کتاب را

عباس العزازی در سال ۱۳۵۶ق / ۱۹۴۶ چاپ کرده است.

۲۲ - نهاية السؤل فی خصائص الرسول. نسخه‌ای از این

کتاب در دار الکتب مصریه (الفهرس، ج ۳ ص ۱۷۹) باقی است.

۲۳ - وهج الجمر فی تحریم الخمر.

### وصف نسخه اعلام النصر المبین

از این کتاب تنها یک نسخه خطی باقی مانده است و جزء نفایس مخطوطات اسلامی در کتابخانه اسکوریا اسپانیا است. در این نسخه عنوان کتاب اعلام النصر المبین فی المفاضلة بین اهلی صفین آمده است. ولی ابن ابیبار در تکملة الصلة با آن با عنوان اعلام النصر المبین فی المفاضلة بین اهل صفین<sup>۱۸</sup> و ذهبی در تذکرة الحفاظ<sup>۱۹</sup> و سیر اعلام النبلاء<sup>۲۰</sup> به الاعلام المبین فی المفاضلة بین اهلی صفین اشاره کرده‌اند. این نسخه بیست و هفت سانتی متر طول و هجده سانتی متر عرض دارد و ۲۷ برگ است. در هر صفحه بیست و پنج سطر کتابت شده است. تاریخ کتابت نسخه، ۸۵۰ ق. و فاقد نام کتابت است.

### مصادر کتاب

یکی از ویژگی‌های کتاب اعلام النصر المبین، بهره‌گیری از مصادر متعدد است. برخی از این مصادر موجود نیست و این خود بر اهمیت کتاب می‌افزاید. فهرست مصادر کتاب چنین است:

۱- کتاب صفین ابن دیزیل. ابراهیم بن حسین بن علی همدانی (متوفی ۲۸۱ ق) معروف به ابن دیزیل یکی از مورخان قرن سوم است که کتابی درباره نبرد صفین داشته است. این کتاب در دست ابن ابی الحدید، شارح مشهور نهج البلاغه بوده و همو قطعاتی از آن را نقل کرده است. ابو الخطاب کلبی نیز به این کتاب اشاره کرده و مواردی را از آن نقل کرده است. نکته جالب توجه، اشاره وی به حجم کتاب و تاکید بر در دسترس بودن متن آن است.<sup>۲۱</sup>

ابوالخطاب کلبی سلسله سند روایت کتاب صفین را چنین یاد کرده است:

«حدثني جماعة عن ابي البركات عبد الوهاب بن المبارك الامطاني (متوفى ۵۲۸ق)<sup>۲۲</sup> قال: قرأت علي ابي طاهر احمد بن الحسن الباقلائي (متوفى ۴۰۳ق)<sup>۲۳</sup> سنة ثمان و ثمانين و اربع مائة (سال ۴۸۳ق) قال: اخبرني ابو علي الحسن بن احمد بن ابراهيم بن شاذان (متوفى ۳۸۳ق)<sup>۲۴</sup> قراءة عليه في شهر رجب من سنة خمس و عشرين و اربع مائة قال: اخبرنا ابو الحسن احمد بن اسحاق بن نبحاب (متوفى ۳۴۹ق)<sup>۲۵</sup> قراءة عليه و أنا اسمع من اصل كتابه في رجب سنة تسع و اربعين و ثلاثمائة قال حدثني ابو اسحاق ابراهيم بن الحسن بن علي الكسائي المعروف بابن

### دیزیل بهمدان قال...»<sup>۲۶</sup>

۲- چند اثر از حاکم نیشابوری (متوفی ۴۰۵ق) با عنوان های الاکلیل (ص ۷۶)؛ رساله التي ساله جماعة من البغداديين عن احوال جماعة من الخراسانيين المحدثين (ص ۴۹، ۷۵).  
 ۳- مروج الذهب مسعودی (ص ۴۸). به نام کتاب تصریح نشده و تنها نام مسعودی آمده است.  
 ۴- الالقاب من اسماء نقله الحديث نوشته عبدالله بن محمد الفرضی (متوفی ۴۰۳ ق؛ ص ۴۸ - ۴۹ درباره وثاقت ابن دیزیل).  
 ۵- الجرح و التعديل ابوجعفر محمد بن عمرو عقيلي (متوفی ۳۲۲ق؛ ص ۶۸).  
 ۶- الجامع الصحيح محمد بن اسماعيل بخارى (ص ۵۵، ۸۶، ۱۴۳).

۷- المثلث نوشته ابو محمد عبدالله بن محمد بطليوسي (متوفی ۵۲۱ ق؛ ص ۵۶).

۸- دلائل النبوة بيهقي (ص ۶۰).  
 ۹- العلم المشهور في فضائل الايام و الشهور (ص ۶۱ - ۶۲) از تألیفات خود وی.

۱۰- معجم الكبير احمد بن سليمان طبراني (ص ۶۵، ۸۲، ۱۲۵). تمام این کتاب را در اصفهان نزد ابوجعفر محمد بن احمد بن نصر نوه حسین بن منده به سلسله سندی منتهی به مؤلف سماع نموده است.

۱۱- کتاب الامامة نوشته عبدالقاهر بغدادی. عبارت نقل شده از عبدالقاهر چنین است: «فذكر الامام عبدالقاهر في كتاب الامامة من تأليفه ما هذا نصه: و أجمع فقهاء الحجاز و العراق من فريقتي الحديث و الرأي منهم مالك و شافعي و ابوحنيفة و الاوزاعي و الجمهور الاعظم من المتكلمين أن علياً مصيف في قتاله لأهل صفين، كما قالوا باصابتة في قتال اهل الجمل و قالوا أيضاً لأن الذين قاتلون بغاة ظالمون له، و لكن لا يجوز تكفيرهم ببغيهم». (ص ۸۳ - ۸۵).

۱۲- کتاب الارشاد امام الحرمین جوینی. از این کتاب نیز نظر جوینی را درباره کسانی که علی علیه السلام با آنها نبرد کرده، نقل کرده است. نص عبارت وی چنین است: «وقال الامام الحرمین ابوالمعالي عبدالملك بن عبدالله الجوینی فی كتاب الارشاد من تأليفه ما هذا نصه: علی رضی الله عنه كان اماماً حقاً فی توليته و مقاتلوه بغاة، و حسن الظن بهم يقتضى أن نطن بهم قصد الخير و ان أخطاوه». بعد از این عبارت کلبی متذکر شده

شده است: «و ذکر صاحبنا جمال الدین ابوالفرج بن جوزی فی تألیفه المسمى بالتحقیق فی مسائل الجنائز مسألة الشهيد لا یصلی علیه و هو قول الشافعی و عنه یعنی احمد یصلی علیه و هو قول ابی حنیفة و مالک، فنسب الی مالک غیر مذهبه» (ص ۹۴).

منابع دیگری که کلبی به کرات از آنها بهره برده عبارت‌اند از: صحیح مسلم (ص ۶۶، ۷۴ - ۷۵؛ قرائت آن در مسجد الغدیر قرطبه، ۷۷ - ۸۲، ۱۵۶)؛ شرح کتاب سیبویه نوشته حسن بن عبدالله سیرافی نحوی (متوفی ۳۶۸ ق؛ ص ۶۶)؛ العقد الفرید، ابن عبدربه اندلسی (ص ۶۶)؛ مسند امام احمد بن حنبل (ص ۱۳۱، ۱۴۳)؛ تاریخ الکبیر بخاری با عنوان تاریخ البخاری (ص ۱۳۹)؛ الاستیعاب ابن عبد البر (ص ۸۲ - ۸۳، ۱۲۴، ۱۳۸، ۱۵۱، ۱۵۳)؛ التمهید نوشته همو (ص ۹۳)؛ غریب الحدیث ابن قتیبه (ص ۱۰۳)؛ المصباح فی شرح الايضاح نوشته یوسف بن یحیی تجیبی (متوفی حدود ۵۴۲ ق، ص ۱۰۸)؛ شرح القصائد السبع، محمد بن قاسم انباری (متوفی ۳۲۸ ق، ص ۱۱۵)؛ کتاب الجواهر (ص ۱۲۰) و کتاب نسب قریش نوشته زبیر بن بکار (ص ۱۲۴).

توصیف کلبی از امام علی زیبا و دل‌انگیز است. خاتمه بخش این نوشتار گفتاری از کلبی در فضیلت امام است. کلبی درباره فضل و کمال علی علیه السلام، می‌نویسد: «و هو أول من وضع علم النحو للمتعلمین و أعلم الناس بالقرآن و وجوه القراءات و أشدهم احتیاطاً لحديث ابن عمه (ص) و أقومهم بسنة التي هي أصل الديانات و عليه يحيل الصحابة في فتاویهم و لم يستفت أحداً قط في جميع السؤالات و أعلم الامة بالحساب و الفرائض و الفقه مضافاً إليها في أصول الديانات» (ص ۱۴۸).<sup>۳۲</sup>

این کتاب ارزشمند، برای محققان تاریخ اسلام به دلیل دربرداشتن عبارتهایی از متون کهن درباره تبرّد صفین، اهمیت فراوانی دارد.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- طوسی، الامالی، ص ۵۸۸؛ به نقل از امالی در بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۱۲۵. در متن بحار نام ابوحنیه به ابی جبه تصحیف شده است.
- ۲- درباره ابن علوی ر.ک: ابن میاطی، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد، ص ۲۰۶.
- ۳- ر.ک: ابن کثیر، البداية و النهاية، ج ۱۳، ص ۱۴۴.
- ۴- الذهبی، میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۱۸۶؛ ابن النجار، ذیل تاریخ بغداد، ص ۶۵؛ ابن دمیاطی، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد، ص ۲۰۸.
- ۵- ابن خلکان، وفيات الاعیان، ج ۳، ص ۴۵۰.

است که: و هو آخر فصل ختم به کتابه، حدثنی به مجدالدین مفتی العراق ابوسعید عبدالله بن عمر بن الصغار قراءة منی علیه فی مدرسته بشاذیخ، قال: حدثنا غیر واحد عن ابی المعالی (ص ۸۵).

۱۳ - مناقب الائمة ابوبکر باقلانی. این اثر از آثار مهم کلامی ابوبکر باقلانی (متوفی ۴۰۳ ق) است که هنوز به زیور طبع در نیامده است. این عبارت درباره ماجرای حکمین و برکناری علی علیه السلام از سوی ابوموسی اشعری است. متن این عبارت چنین است: «قال القاضي الامام سيف السنة ابو بكر محمد بن الطيب بن محمد الربيعي الاشعري في كتاب مناقب الائمة الذي حدثني به الفقيه العالم ابوالحسن علي بن الحسين عن الثقة العدل ابی عبدالله الخولانی»<sup>۳۳</sup> عن الفقيه العالم ابی عمران الفاسی<sup>۳۴</sup> قال: قرأت علی القاضي الامام ابی بكر قال: و معاذ الله أن يكون الحكمان حكماً علیه بالخلع و انما حكم علیه بذلك عمرو وحده بغير موافقة منه عليه. و قد أنكر علیه ذلك ابوموسی الاشعری و أغلظ له فی القول و رد علیه هو و أهل الشام أشد الرد و وبخوه. فما اتفق الحكمان قط علی خلعه، و انما كان ذلك أمر يؤثر عمرو وحده. قال القاضي: و علی أنهما لو اتفقا جميعاً علی خلعه لم ينخلع به حتی يكون الكتاب و السنة المجتمع عليهما يوجبان خلعه أو واحد منهما، علی ما شرطاه فی الموافقة بينهما، أو الی أن یبينا ما یوجب خلعه من الكتاب و السنة. و نص کتاب علی علیه السلام اشترط علی حکمین أن یحكما بما فی کتاب الله غز و جل من فاتحه الی خاتمه لا یجاوزان ذلك و لا یحیدان عنه و لا یمیلان الی هوی و لا ادهان و أخذ علیهما أغلظ العهد و المواثیق و ان هما جاوزا بالحکم کتاب الله من فاتحه الی خاتمه فلا حکم لهما (ص ۱۱۵ - ۱۱۷).

۱۴ - الدفائن فی الاشارات و الحقائق فی فنون. اثری از ابن عقیل حنبلی است. در مورد یکی از صحابه پیامبر به نام عبدالله بن بدیل خزاعی از این کتاب مطلب زیر نقل شده است: «قرأت فی کتاب الدفائن فی الاشارات و الحقائق فی فنون ابی الوفاء بن عقیل: و سئل حنبلی لم كان امیر المؤمنین علی بن ابی طالب رضی الله عنه یجب ركوب البغال دون الخیل؟ فقال: لانه لم یکن ممن یفر فیطلب السوابق و لا یطلب الهارب، فاقتصر علی ما یحصل به فارساً دون ما یكون به فارساً طالباً» (ص ۱۰۱).

۱۵ - التحقیق فی مسائل الجنائز، نوشته ابوالفرج ابن جوزی. از این کتاب یک عبارت درباره عدم نماز بر شهید نقل

۲۴- یکی از مسائل کلامی که متکلمان درباره آن بحث کرده‌اند درباره حکم محاربان با علی علیه السلام در نبردهای جمل، نهروان و صفین است. حمیری (متوفی ۵۷۳ق) در این باره می‌نویسد: «... جمهوری معتزله، و اکثرهم الا القليل الشاذ منهم، يقولون: ان علیاً علیه السلام كان على الصواب و ان من حاربه فهو ضال، و تبرأوا ممن لم يتب من محاربتة و لا يتولون أحداً ممن حاربه الا من صحت عندهم توبته منهم». (الحوار العین، ص ۲۰۵). بحث تفصیلی در این موضوع را شیخ مفید (متوفی ۴۱۳ ق) در مقدمه کتاب الجمل نقل کرده است.

۲۵- وی احمد بن محمد بن عبدالله مشهور به ابوعبدالله خولانی (متوفی ۵۰۸ ق) است. در مورد وی ر.ک: ابن بشکوال، الصلوة ج ۱ ص ۷۳؛ ابن تفری بردی، النجوم الزاهرة، ج ۵، ص ۲۰۹؛ الذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۹، ص ۲۹۶.

۲۶- وی موسی بن عیسی فاسی (متوفی ۴۳۰ ق) است. در مورد وی ر.ک: ابن ماکولا، الاکمال، ج ۷، ص ۸۰؛ قاضی عیاض، ترتیب المدارک، ج ۴، ص ۷۰۲؛ الذهبی، معرفة القراء الکبار، ج ۱، ص ۳۱۲

۲۷- کلبی در ادامه سخنان مشابهی از عالمان دیگر در شان امام همام نقل کرده است. در مسئله افضلیت امام علی علیه السلام، میان متکلمان، اندکی اختلاف است. ابوسعید بن نشوان حمیری (متوفی ۵۷۳ق) در این باره می‌نویسد: «و قال كثير من المعتزلة: ان افضل الامة بعد نبیها: امیر المؤمنین علی بن ابی طالب رضی الله عنه، بتقدمه لنظرائه فی خصال الفضل فی الدین». در ادامه از قول قاضی عبدالجبار معتزلی (متوفی ۴۱۵ق) نقل می‌کند: «قال قاضی القضاة عبدالجبار بن أحمد فی شرح الاصول الخمسة و هذا القول هو الذي يقول به أكثر شیوخنا البغدادیین و بعض البصریین و هو الذي نصره الشيخ ابوعبدالله (البصری) رحمه الله و المشهور فی كتب ابی علی و ابی هاشم الوقوف فی ذلك - قال: و انما استحق علیه السلام الفضل من جهة الافعال لا من جهة الاخبار التي يرويها الشيعة، لانها غير مجمع عليها، و هي مع ذلك تحتمل التاويل و الافعال التي استحق بها الفضل فی الدین، فهي العلم و التبخر فيه، و الورع و الزهد و التقی، و الهجرة و السبق الى السلام و الجهاد و الدعاء الى الله عزوجل و تعليم الناس الفروع و الاصول و معلوم من حال امیر المؤمنین التقدم فی هذه الخصال، فيجب أن نشهد بأنه أفضل الأمة، لا بأن الأخبار دلت علی فضله». (الحوار العین، ص ۲۰۵ - ۲۰۶).

۶- ابن النجار، ذیل تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۶۸؛ ابو شامة المقدسی، الذیل علی الروستین، ص ۱۶۳؛ ابن خلکان، وفيات الاعیان، ج ۳، ص ۴۵۰؛ الذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۲۲، ص ۳۹۴؛ المقرئ، نفح الطیبه ج ۲، ص ۱۰۳.

۷- ابن الابار، التكملة لكتاب الصلوة، ج ۲، ص ۶۵۹؛ تعی الدین الفاسی، ذیل التقييد، ص ۲۳۶.

۸- ابن الابار، التكملة لكتاب الصلوة ج ۲، ص ۶۵۹

۹- همان، ج ۲ ص ۶۵۹.

۱۰- الذهبی، المختصر المحتاج اليه من تاریخ ابی عبدالله الديبئی، ص ۲۸۸

۱۱- الفاسی، ذیل التقييد، ص ۲۳۶

۱۲- السیوطی، بغية الوعاة، ج ۲، ص ۲۱۸

۱۳- تاریخ الادب العربی، ج ۵، ص ۳۶۰.

۱۴- تاریخ الادب العربی، ج ۵، ص ۳۶۰.

۱۵- ج ۲، ص ۶۶۰

۱۶- ج ۴، ص ۱۴۲۱

۱۷- ج ۲۲ ص ۳۹۰

۱۸- ذكره ابواسحاق ابراهيم بن الحسن الكسائي الهمداني المعروف بابن ديزيل فی كتابه صفین من تالیفه و هو عندی فی اربعة اجزاء. ص ۴۸. از این کتاب در صفحات ۵۲، ۵۳، ۶۸، ۷۰، ۹۴ - ۹۵، ۹۷، ۱۱۲، ۱۱۹، ۱۲۰ نقل مطلب شده است.

۱۹- درباره وی ر.ک: ابن رجب، الذیل علی طبقات الحنابلة، ج ۱، ص ۲۴۰؛ ابن الجوزی، صید الخاطر، ص ۱۱۴

۲۰- مصحح کتاب وی را به اشتباه ابوبکر باقلانی (متوفی ۴۰۳ق) معرفی کرده است. در صفحه ۹۴ که بار دیگر این سلسله سند تکرار شده، نام وی به صورت کامل تر ابوطاهر احمد بن حسن بن احمد بن جراد کرجی باقلانی (متوفی ۴۸۹ق) آمده و مصحح شرح احوال وی را به کتابهای زیر ارجاع داده است. الصفدی، الوافی بالوفیاته ج ۶، ص ۳۰۶؛ الذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۹، ص ۱۴۴؛ ابن العماد الحنبلی، شذرات الذهب ج ۳، ص ۳۹۲.

۲۱- درباره وی ر.ک: تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۱۸؛ ابن الجوزی، المنتظم، ج ۷، ص ۱۷۲

۲۲- درباره وی ر.ک: تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۳۵؛ السمعانی، الانساب، ج ۸، ص ۲۸۹؛ الذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۵، ص ۵۳۰

۲۳- اعلام النصر المبین، ص ۵۰. همین سلسله سند در صفحه ۹۴ - ۹۵ نیز آمده است.